

بسمه تعالی



دانشگاه خوارزمی
دانشکده حقوق

محل الصاق عکس	گزارش چکیده پایان نامه / رساله فارسی و انگلیسی						
۱۳۹۸/۰۹/۳۰	تاریخ دفاع:	کارشناسی ارشد	مقطع تحصیلی:	حقوق بین الملل	رشته تحصیلی:	زین العابدین انگورج تقوی	نام و نام خانوادگی دانشجو:
دکتر آذری		نام استاد/ اساتید داور	دکتر اصغریان	نام استاد مشاور	دکتر حسینی	نام استاد راهنما	
بررسی رویه دولتها در خصوص توافقات یکپارچه سازی میادین مشترک نفتی							عنوان پایان نامه:
<p>امروزه قسمت اعظمی از میادین نفتی و گازی جهان در امتداد مرزی دو یا چند کشور قرار گرفته اند. بهره برداری و استخراج از این میادین مشترک یکی از مناقشه بر انگیز ترین مسائل کشورهای میزبان این میادین و مخازن بوده است. مخصوصا فقدان یک رویه خاص و فراگیر به چنین اختلافاتی افزوده است. امروزه کشورها برای جلوگیری یا حداقل کاهش چنین اختلافاتی به روش های مختلف بهره برداری مشترک روی آورده اند. یکی از این روشهای بسیار سودمند روش بهره برداری از طریق قرارداد یکپارچه سازی میباشد. در این روش کشورهای میزبان میادین و یا مخازن مشترک توافق میکنند که میدان بعنوان یک واحد تلقی شود و بهره برداری از آن به صورت هماهنگ و یکپارچه انجام گیرد. با توجه به تنوع و گوناگونی قرار داد یکپارچه سازی میتوان گفت که رویه ای متحد الشکلی در خصوص این قرار دادها وجود دارد.</p>							بیان مسئله:
<p>روش انجام تحقیق (شامل جامعه و نمونه گیری در تحقیقات پیمایشی و میدانی، شیوه گردآوری و تحلیل داده ها)</p> <p>روش تحقیق در این پایان نامه، توصیفی تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای است و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، روش تحلیل محتوا است که از طریق فیش برداری و بررسی اسناد مانند توافقنامه های موجود اطلاعات گردآوری شده اند.</p>							روش پژوهش:
<p>پرسش اصلی پژوهش</p> <p>آیا رویه متحد الشکلی در خصوص توافقات بهره برداری مشترک و یکپارچه سازی میادین نفتی منعقد شده بین دولتها وجود دارد؟</p> <p>پرسش فرعی</p> <p>آیا توافقات بهره برداری مشترک و یکپارچه سازی میادین نفتی منعقد شده بین دولتها دارای نقاط مشترکی هستند تا بتوان از آنها یک مدل قرار دادی استخراج کرد؟</p> <p>اهداف پژوهش</p> <p>شناخت رویه دولتها در حوزه توافقات میادین مشترک نفتی و همکاری های بین المللی در جهت یکپارچه سازی و بهره برداری مشترک</p>							سؤال و فرضیه تحقیق:

<p>فرضیه اصلی:</p> <p>کشورها غالباً برای بهره برداری از میادین مشترک نفت و گاز خود از توافقات دو جانبه و چند جانبه به منظور یکپارچه سازی و بهره برداری مشترک استفاده میکنند. این توافقات اگرچه از لحاظ جغرافیایی و بندهای مورد استفاده در آنها دارای تنوع و گوناگونی زیادی هستند اما به نظر میرسد از الگوی تقریباً ثابتی پیروی کنند.</p>	
<p>این تحقیق از دو بخش و چهار فصل تشکیل شده است. در بخش اول به مفاهیم و رهیافت ها پرداخته شده است. در فصل اول این بخش به منابع حقوق بین الملل از جمله معاهدات و عرف و در فصل دوم به قواعد و اصول مورد استفاده در بهره برداری مشترک از میادین مشترک نفتی مانند قاعده تبعیت، قاعده تصرف و قاعده حقوق متقابل اشاره شده است. در بخش دوم که خود نیز به دو فصل تقسیم میشود، بررسی توافقات بین المللی و رویه قضایی در توسعه مشترک نفتی در فصل نخست مورد بحث قرار گرفته و در فصل دوم توافقات بین المللی و رویه قضایی در یکپارچه سازی بررسی شده است.</p>	<p>روند پژوهش:</p>
<p>ضرورت انجام پژوهش تحقیق حاضر نسبت به دیگر تحقیقات انجام گرفته در این حوزه از دو منظر حائز اهمیت میباشد. نخست آنکه در این تحقیق به شکل مستقیم به بیش از بیست توافقنامه دوجانبه یا چند جانبه یکپارچه سازی و بهره برداری مشترک اشاره شده است که در نوع خود در پایان نامه کارشناسی ارشد کم نظیر میباشد.</p> <p>همچنین طیف این نوع توافقنامه ها بسیار وسیع هستند که از شرق آسیا تا آمریکای لاتین را پوشش میدهند.</p> <p>دوم آنکه به دلیل مبتلابه بودن کشور مان به موضوع به واسطه وجود میادین مشترک نفتی و گازی متعدد با همسایه ها مخصوصاً در خلیج فارس، تحقیق حاضر با توجه به رویکرد ارائه الگوی مطلوب و تشویق متولیان کشور از جمله وزارت نفت، مرکز پژوهشهای مجلس، کمیسیون انرژی مجلس، وزارت امور خارجه و دیگر نهاد های مرتبط با موضوع میتواند در ارائه قرار دادی نمونه و معیار در خصوص یکپارچه سازی مفید اثر واقع شود.</p>	<p>مهمترین یافته ها :</p>

تأیید استاد راهنما

